

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مسيحية

یکی از پدیده های کهن که از دیر باز اندیشه بشر را از خود متأثر کرده دین است. در میان دین های موجود ادیان ابراهیمی به لحاظ تعداد پیرو در جهان از اهمیت بیشتری برخوردارند. در این بین مسیحیت بخاطر پشت سر گذاشتن تاریخی پرفراز و نشیب و دارا بودن بیشترین پیرو در دنیای معاصر توجه ویژه ای را می طلبد.

این دین ابراهیمی حدود 2000 سال پیش و در فلسطین ، همزمان با تولد عیسی حیات خود را آغاز کرد. اما پیش از پرداختن به مباحث اساسی آن لازم است نگاهی گذرا به تاریخ مسیحیت داشته باشیم.

فصل اول: تاریخچه پیدایش مسیحیت

1- تولد و رشد حضرت عیسی

در سنت مسیحی کهن ترین داستان مستند از زندگی عیسی در انجیل های عهد جدید ثبت شده است. انجیل نگاران جریان تولد عیسی را از قصه مریم شروع می کنند.

به روایت اناجیل مریم هنوز در دوره نامزدی¹ با یوسف نجار بود که به طرز شگفت انگیزی باردار شده و توسط فرشته خدا از این ماجرا آگاه گشت. او که از این جریان شگفت زده بود از فرشته پرسید که چگونه چنین چیزی ممکن است در حالی که مردی او را لمس نکرده است! و فرشته پاسخ داد که این واقعه به قدرت خدا محقق خواهد شد.²

اما یوسف هنگامی که از این ماجرا آگاه شد ، خواست مخفیانه از او جدا شود که این بار فرشته خدا بر او ظاهر شده و او را از این کار بر حذر داشت... بدین سان عیسی معجزه آسا متولد شد³ در حالی که مردم او را فرزند یوسف نجار می دانستند.

در همین زمان هیروُدس⁴ با آگاه شدن از تولد وی ، کمر به قتل او بست؛ ولی یوسف و مریم با هدایت خدا از این تصمیم آگاه شده و به مصر گریختند. اما این سرگردانی دوام نداشت، زیرا هیروُدس مرد و با مرگ او یوسف و مریم که توسط خدا از این امر خبر دار شده بودند به ناصره بازگشتند⁵ و در آنجا به زندگی خود ادامه

¹ اشاره به پاکره بودن

² انجیل لوقا ، 1:26-35

³ انجیل متی ، 1:18-22

⁴ - Herod the Great

⁵ انجیل متی ، 2:13-21

دادند و عیسی در این شهر رشد و نمو کرد تا به سی سالگی رسید. گفتنی است که روایت قرآن از داستان تولد عیسی مسیح با روایت انجیل تفاوت‌هایی دارد و در انجیل به داستان سخن گفتن عیسی در گهواره اشاره نشده^۶ و در قرآن مریم دختر جوانی است که نامزد نداشته و لذا بعد از تولد عیسی مورد نکوهش یهود قرار می‌گیرد^۷

2- آغاز ماموریت

اندکی پیش از آغاز رسالت حضرت عیسی، یحیی که مردم را به توبه دعوت کرده و غسل تعمید می‌داد، آمدن قریب الوقوع مسیح را پیشگویی کرد. بنابر این عیسی نیز همانند سایرین برای دریافت غسل تعمید به سوی رود اردن و یحیی تعمید دهنده رهسپار شد. انجیل نگاران ماجرای آغاز ماموریت عیسی را اینگونه روایت می‌کنند: در این هنگام عیسی از ناصره جلیل آمد و در رود اردن از یحیی تعمید گرفت.^۸ در واقع این نقطه شروع رسالت عیسی بود. با گذر از این مرحله عیسی برای خود یارانی ویژه (حواریون) برگزید و با کمک ایشان ماموریت خود را شروع کرد. او در مسیر ابلاغ پیام خدا به دو راه متوسل شد: 1- منطق قوی و سخنرانی‌های مقتدرانه و 2- معجزات شگفت‌انگیز مثل زنده کردن مردگان، شفا دادن بیماران، اطعام افراد پرشمار با غذای اندک و...

3- آموزه‌های عیسی

مشروح آموزه‌های عیسی در سراسر انجیل دیده می‌شود؛ اما عام‌ترین و کامل‌ترین سخن عیسی در این مورد را می‌توان در گزارش متی مشاهده کرد:

گمان مبرید که آمده‌ام تا تورات یا صُحف انبیا را باطل سازم. نیامده‌ام تا باطل نمایم بلکه تا تمام کنم. 18 زیرا هر آینه به شما می‌گویم تا آسمان و زمین زایل نشود همزه یا نقطه‌ای از تورات هرگز زایل نخواهد شد تا همه واقع شود. 19 پس هر که یکی از این احکام کوچکترین را بشکند و به مردم چنین تعلیم دهد در ملکوت آسمان کمترین شمرده شود. اما هر که بعمل آورد و تعلیم نماید او در ملکوت آسمان بزرگ خوانده خواهد شد.^۹

4- پایان زندگی زمینی

^۶ - مریم 29-33

^۷ - مریم 28

^۸ انجیل متی، 3:13

^۹ انجیل متی، 5:17-20

در مورد واپسین روزهای حیات عیسی گزارش یکنواختی روایت نشده ، بلکه انجیل نگاران در انجیل های خود قصه های متفاوتی از یک جریان را روایت کرده اند. متی روایت می کند که سران یهود از سخنان و آموزه های عیسی ناخشنود بودند، بنابراین به صورت های مختلف برای نابودی او تلاش می کردند تا اینکه سرانجام توانستند عیسی را با خیانت یکی از شاگردانش بنام یهودای اسخریوطی^{۱۱} دستگیر کرده و برای بازجویی نزد کاهن اعظم یهود ببرند. پس از این مرحله عیسی را تحویل حاکم رومی منطقه دادند و به او فشار آوردند تا عیسی را اعدام کند. بنا به گزارش متی حاکم رومی سرانجام علی رغم میل خود حکم مصلوب ساختن عیسی را صادر کرد.^{۱۱} این جریان در روز جمعه رخ داد.

اما از اینجا به بعد روایت انجیل ها دارای اضطراب زیادی است. به هر صورت روایت متی اینگونه است که بعد از ظهر جمعه عیسی را دفن کرده و سنگ بزرگی بر قبر او نهادند... اما صبح یکشنبه که برخی از پیروان به زیارت قبر او آمدند؛ مشاهده کردند که سنگ قبر به کناری افتاده و کفن عیسی خالی است. اندکی بعد عیسی بر پیروان ظاهر شد و به ایشان خبر داد که خدا بار دیگر او را زنده کرده و از قبر برخیزانده است.^{۱۲} بنا به گزارش سنت مسیحی پس از این جریان عیسی حدود چهل روز در میان پیروانش بود و گاه گاهی با ایشان ملاقات هایی داشت تا اینکه سرانجام با وعده بازگشت^{۱۳} دوباره اش از منظر حواریون غائب شده ، به آسمان رفت.^{۱۴} بنا بر این نبوت و تبلیغ حضرت عیسی سه سال بیشتر طول نکشید.

قران روایت دیگری از پایان زندگانی عیسی مسیح دارد و میفرماید آنان مسیح را نکشتند و بر صلیب نکشیدند بلکه امر بر ایشان مشتبه شد^{۱۵}

5- عصر حواریون

¹⁰ - Judas Iscariot

¹¹ انجیل متی ، 27-11:27

¹² انجیل متی ، 10-1:28

¹³ وعده بازگشت را عیسی پیش از این به حواریون داده بود ، نه در هنگام عروج

¹⁴ اعمال رسولان ، 10-3:1

¹⁵ - وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَٰكِن شُبِّهَ لَهُمْ (نسا 157)

دوره پس از صعود عیسی تا سال 100 میلادی عصر حواریون نامیده می شود زیرا سراسر حوادث این دوره متاثر از حواریون و فعالیت های تبلیغی ایشان است.

بنا به سنت مسیحی کهن ترین منبع معتبر از وقایع این دوره کتاب اعمال رسولان و برخی کتب عهد جدید است. در این دوره چند رویداد از اهمیت خاصی برخوردارند:

1-5 با توجه به متن انجیل ها حضرت عیسی برای پس از خود برنامه داشته و شخصی را برای رهبری برگزیده است.

اولین فردی که به حضرت عیسی ایمان آورد و سپس بزرگترین حواری او گردید شخصی بنام شمعون بود. در آیاتی از انجیل روایت شده که عیسی به او ماموریت داده و این چنین وی را مخاطب ساخته است:

خوشبحال تو ای شمعون پسر یونا ... من نیز تو را میگویم که تویی پطرس (صخره) و بر این صخره کلیسای (جامعه شهروندی) خود را بنا میکنم و نیروهای مرگ بر آن استیلا نخواهد یافت. 19 و کلیدهای ملکوت آسمان را به تو می سپارم و آنچه بر زمین ببندی در آسمان بسته گردد و آنچه در زمین گشایی در آسمان گشاده شود.¹⁶

بنابر این با دستور صریح عیسی ، پطرس¹⁷ جانشین و رهبر مسیحیان پس از او بود؛ اما اتفاق عجیبی همه معادلات را بهم زد.

2- ناگهان چهره جدیدی وارد جهان مسیحیت شد. کسی که تا پیش از این شکنجه گر مسیحیان بود¹⁸ و در قتل استفان ، اولین شهید مسیحیت، دست داشت¹⁹ و به تعبیر کتاب مقدس بی رحمانه بر کلیسا می تاخت و خانه به خانه گشته زنان و مردان را بیرون می کشید و زندان میافکند.²⁰ او کسی نبود جز پولس²¹ که البته نام عبری اش شائول بود.

¹⁶ انجیل متی ، 19-18:16

¹⁷ - Peter

¹⁸ اعمال رسولان ، 1:9

¹⁹ - اعمال رسولان ، 58:7 - 1:8

²⁰ - اعمال رسولان 3:8

²¹ - Paul of Tarsus

ماجرای ایمان پولس از اینجا آغاز شد که عده ای از نوکیشان مسیحی اورشلیم از دست شکنجه گرانی چون پولس به دمشق گریخته بودند. پولس از طرف کاهن اعظم ماموریت یافت که ایشان را دستگیر کرده، باز گرداند.

بروایت لوقا^{۲۲} پولس در نزدیکی دمشق نوری دیده و صدایی شنیده که او را مخاطب قرار داده که چرا بر من جفا می کنی؟ پولس با شنیدن این صدا بیهوش به زمین افتاد. سپس صدا به او دستور داد که به شهر رفته و از فردی بنام حنایا دستورات لازم را بگیرد. وی ادعا میکند که آن صدا، صدای عیسی مسیح بوده است. البته کسی این ادعا را تایید نکرده است.

پولس تغییر کیش داد و پس از سه سال سکوت شروع به تبلیغ مسیحیت کرد. اما او نمی توانست به اورشلیم برود، زیرا چندی پیش در آنجا شکنجه گر مسیحیان بود. بنابر این از وسعت قلمروی امپراتوری استفاده کرد و برای تبلیغ به قسمت های دیگر امپراتوری روم رفت.

3- نکته مهم دیگر این بخش تعالیم پولس است. آموزه هایی که او تعلیم می داد با آموزه های دیگر حواریون و بویژه جانشین عیسی، پطرس، متفاوت بود. این مساله بقدری در جهان مسیحیت اثرگذار بود که نویسندگان مسیحی پس از او، وی را دومین موسس مسیحیت خواندند.^{۲۳}

علاوه بر این موارد متعددی از عهد جدید بروشنی نشان می دهد که بین پولس و حواریان عیسی نزاع سختی در جریان بوده است. این نزاع به حدی بود که پولس وقتی از حواریون خشمگین می شد به ایشان می تاخت و حتی پطرس را به نفاق و دورویی متهم می کرد.^{۲۴}

البته با این همه نوع مسیحیتی که پولس تعلیم می داد با مسیحیت عیسوی متفاوت بود و در نتیجه پذیرش آن برای مشرکان امپراتوری آسان تر بود. زیرا پولس انجام احکام شریعت را برای غیر یهودیان لازم نمی دانست و مسیح را نیز خدایی می دانست که جسم گرفته بود تا فدای گناهان بشر شود.

بنابر این پیروان ادیان یونانی-رومی که به پرستش خدای محسوس انس داشتند و رعایت شریعت نیز برایشان سخت بود، الهیات پولس را پذیرفتند.

²² - اعمال رسولان ، 9: 3-19

²³ - گریدی، جوان؛ مسیحیت و بدعتها، عبدالرحیم سلیمانی اردستانی، قم، موسسه طه ، 1384 ، چاپ دوم ، ص 47

²⁴ - غلاطیان 2: 11

اما پیروان پطرس (و دیگر حواریون) که بعداً به نام ایونی ها خوانده شدند، رعایت شریعت را لازم دانسته و مسیح را به عنوان پیامبر خدا پذیرفته بودند و در نتیجه پولس را کافر می خواندند.^{۲۵}

سرانجام پطرس و پولس در دهه 60 میلادی در رم اعدام شدند،^{۲۶} اما اندیشه های پولس به تدریج غلبه یافت.

6- عصر مناقشات و نزاع های فرقه ای

مسیحیت از همان ابتدا با دو مشکل جدی مواجه بود: فشارها و شکنجه های امپراتوری روم و مناقشات الهیاتی و فرقه ای.

دوران شکنجه و فشار

پس از سال 70 میلادی و پراکندگی یهود، مسیحیان هم در میان یهودیان منفور بودند و هم امپراطوری ایشان را برای خود خطر بزرگی می دانست.

زیرا در امپراطوری قیصر تقدس داشت و هر فردی برای اعلام وفاداری به او می بایست سوگند یاد کرده و به احترام تمثال وی در معبد بخور سوزانده و شراب می نوشید. مسیحیان نیز که بنا به دستورات دینی از انجام چنین کرنشی خودداری می کردند، حساسیت حاکمان را برمی انگیزتند^{۲۷} و در نتیجه مورد آزار حاکمان رومی قرار می گرفتند.

اعلامیه میلان و آزادی رسمی مسیحیان

ابتدای قرن چهارم میلادی نقطه عطفی در تاریخ دیانت مسیحی است، زیرا دیوکتیانوس که به سختی مسیحیان را شکنجه و آزار می داد مرد و پس از او برای حکومت بر امپراتوری میان چهار قیصر او نزاع واقع شد.

تا اینکه پسر یکی از این افسران که رویای فتح امپراتوری را در سر داشت، با نصب صلیب روی پرچم هایش حمایت مسیحیان را بدست آورد و توانست رم را فتح کند.^{۲۸} بدین ترتیب دوره ای جدید برای مسیحیت آغاز شد.

²⁵ - گریدی، جوان؛ مسیحیت و بدعتها، عبدالرحیم سلیمانی اردستانی، قم، موسسه طه، 1384، چاپ دوم، ص 43-44
²⁶ - Catholic Encyclopedia: St Peter, Prince of the Apostles, St Paul

²⁷ - گریدی، جوان؛ مسیحیت و بدعتها، ص 620

²⁸ - میلر، ویلیام؛ تاریخ کلیسای قدیم در امپراتوری روم و ایران، ترجمه علی نخستین، ص 3-232

کنستانتین²⁹ که نیمی از امپراتوری را از آن خود کرده بود، به همراه امپراتور بخش شرقی در سال 313 اعلامیه ای مبنی بر آزادی مذهب صادر کردند که در آن تصریح شده بود که مسیحیان حق دارند امور دینی خود را اجرا کرده و تبلیغ نمایند.³⁰

البته خود کنستانتین مسیحی نشد، اما به گفته جوان گریدی: او امید داشت بدین وسیله کلیسا را به شکل ابزاری برای استحکام قدرت مطلق امپراتور در آورد.³¹

در هر صورت از این به بعد یکی از دو مشکل اساسی مسیحیت، یعنی شکنجه و فشار امپراتوری، پایان یافت.

شورای نیکیه³²

اما مشکل دیگر مسیحیت (نزاع های الهیاتی و فرقه ای) هم چنان پابرجا بود. اوج این منازعات ماجرای اریوس³³ است. اریوس که اسقف لیبی بود با الکساندر³⁴، اسقف مصر، و شاگردش آتاناسیوس³⁵ در مورد خدا بودن عیسی به مخالفت برخاست.

پس از مدتی این دعوا از شمال آفریقا خارج شد و آوازه آن سراسر امپراتوری را در نوردید. ویل دورانت، پدر تاریخ غرب، روایت می کند که کنستانتین، که بتازگی امپراتوری را سر و سامان داده بود، برای جلوگیری از ایجاد آشوب در قلمرو حکومتش به دو طرف دعوا نامه ای نوشت و در آن هر دو طرف را به شدت و با عباراتی موهن تویخ کرد.³⁶ اما این پایان کار نبود، زیرا نه تنها طرفین نزاع کوتاه نیامدند، بلکه پای مردم عادی نیز به این جریان باز شد.

در نتیجه کنستانتین برای حل نهایی این جریان در سال 325 و در شهر نیکیه شورایی تشکیل داد و خود ریاست جلسات را به عهده گرفت. در نتیجه این دخالت مستقیم کنستانتین که هیچ گونه اطلاعی از الهیات نداشت، مسیح به عنوان دومین وجه خدا پذیرفته شد و در کنار خدای پدر جای گرفت.

²⁹ - Constantine

³⁰ - میلر ، ویلیام؛ تاریخ کلیسای قدیم در امپراتوری روم و ایران ، ص 234

³¹ - گریدی، جوان؛ مسیحیت و بدعت ها ، ص 131

³² - Council of Nicaea

³³ - Arius

³⁴ - Alexander

³⁵ - Athanasius ,

³⁶ - دورانت، ویل؛ تاریخ تمدن ج3، حمید عنایت و ...، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، 1371، ص 769

بنابر این الوهیت مسیح نتیجه دخالت مستقیم امپراطور در امور کلیسا بود. به گفته نویسنده ای مسیحی: «این نخستین بار بود که کلیسا خود را تحت سلطه و ریاست رهبر سیاسی حکومت می دید. مساله رابطه کلیسا و حکومت که مساله ای مزمن و ریشه دار است، به طور مشخص از همین جا شروع شد.»³⁷

پس از این جریان نیز منازعات الهیاتی دیگری واقع شد که تقریباً در تمامی آنها نقش پررنگ امپراتور مشهود است. روند استفاده ابزاری از کلیسا ادامه داشت و امپراتوران بعدی نیز سعی در نزدیکی به کلیسا داشتند چنانکه چندین سال پس از کنستانتین، در سال 379 امپراتور ثئودوسیوس³⁸ به حکومت رسید و برای نزدیکی با پاپ داماسوس³⁹ در سال 381 مسیحیت تثلیثی را به عنوان مسیحیت رسمی پذیرفت و تمامی ادیان و گرایشات دیگر مسیحی را با زور سرنیزه از میان برداشت.⁴⁰ و اینگونه مسیحیت تبدیل به دین رسمی روم بزرگ شد

در قرون نخست مسیحیت جدای از این منازعات درونی واقعه مهم دیگری در تاریخ رخ نداد جز اینکه پایتخت حکومت از رم به قسطنطنیه منتقل شد و در نتیجه اسقفان رم علاوه بر قدرت دینی از نفوذ سیاسی نیز برخوردار شدند. حدود یک قرن بعد در ادامه طبیعی همین روند بود که پاپ لئو کبیر برتری پاپ رم بر دیگر اسقف نشین ها را اعلام کرد.

7- قرون وسطی

پنج قرن نخست با شکل گیری نظام الهیاتی و سازمان یافتن تشکیلات کلیسا پایان یافت. از قرن پنجم تا قرن پانزدهم در تاریخ کلیسا، تاریخ نامداری است، این دوره هزار ساله با نام قرون وسطی شناخته می شود.

جالب اینجاست که هنگامی پنج قرن نخست قرون وسطی برای مسیحیان به لحاظ علمی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در نهایت تاریکی و ضعف پیش می رفت که در همان حین مسلمانان در اوج شکوفایی تمدن و فرهنگ اسلامی بودند.

جدایی کلیسای غرب و شرق

³⁷ - کرنز، ارل؛ سرگذشت مسیحیت در طول تاریخ، ترجمه آرمان رشدی، آموزشگاه کتاب مقدس، 1994، ص 106-107

³⁸ - Theodosius

³⁹ - Pope Damasus

⁴⁰ - همان، ص 154-155

کلیسا در این پنج قرن شاهد یک رویداد مهم درونی بود؛ این رویداد اشتقاق کلیسا به دو قسمت شرقی و غربی بود.

در سده های اولیه مسیحیت پنج اسقف نشین وجود داشت که دارای اهمیت خاصی بودند اسقف نشین رم ، قسطنطنیه، اورشلیم، انطاکیه و اسکندریه . با انتقال پایتخت امپراتوری به قسطنطنیه ، پاپ رم همزمان دارای دو قدرت سیاسی و دینی در غرب امپراتوری شد. پس از مدتی پاپ لئو کبیر^{۴۱} با استناد به اینکه رم نخستین اسقف نشین کلیساهای مسیحی بوده و اولین اسقف آن، پطرس، جانشین عیسی بوده است؛ مدعی برتری بر سایر کلیساهای مسیحی شد. اما کلیساهای شرق از پذیرش این مساله سرباز زدند.^{۴۳}

در کنار این مساله کلیسای غرب می خواست از املاک بیشمار خود نگهداری کند. در نتیجه با ورود به فعالیت های اقتصادی بمرور زمان به یک نهاد مقتدر و ثروتمند تبدیل شد.

از طرف دیگر کلیسای شرق در مجاورت مسلمانان بود و آموزه های اسلام در رویکرد الهیاتی مسیحیان شرق اثرگذاری بسیاری داشت. یکی از این موارد وقتی بود که امپراطور لئوی سوم برای رفع اتهام بت پرستی از سوی مسلمانان زانو زدن در برابر تصویر و تمثال ها را منع کرد؛ اما کلیسای رم از پذیرش این مساله سرباز زد.^{۴۴} مساله دیگر پرستش مریم به عنوان مادر خدا بود که در کلیسای رم انجام نمی شد.^{۴۵} علاوه بر این مسائل به تدریج در مورد روح القدس نیز اختلافاتی پدیدار شد.^{۴۶}

در نهایت در سال 1054 با تکفیر متقابل دو کلیسا ، جامعه مسیحی شرق از غرب برای همیشه جدا شد. پس از جدایی کلیسای شرق خود را ارتدکس^{۴۷} (راست کیش) نامید و کلیسای غرب با نام کاتولیک^{۴۸} (عام و جامع) رومی شناخته شد.

⁴¹ - Pope Saint Leo the Great

⁴² - Catholic Encyclopedia: Pope St. Leo I

⁴³ - تاریخ کلیسای قدیم در امپراتوری روم و ایران، ص 250-251

⁴⁴ - وان وورست، رابرت ای ؛ مسیحیت از لابلای متون ، جواد باغبانی و عباس رسول زاده ، قم ، موسسه امام خمینی ، 1384 ص 237

⁴⁵ - میشل توماس. کلام مسیحی ص 106

⁴⁶ - بی ناس، جان. تاریخ جامع ادیان، ص 647

⁴⁷ - orthodox

⁴⁸ - Catholic

عملکرد کلیسا در قرون وسطی

نام گذاری قرون وسطی به قرون تاریک، آن هم از طرف خود مسیحیان، بیانگر این مساله است که عملکرد کلیسا در این دوره مورد قبول و قابل دفاع نیست.

کلیسا در این دوره از سه جهت کلی دارای ایرادات اساسی بود:

1- اقتصادی 2- فرهنگی و اخلاقی 3- سیاسی-اجتماعی

1- به لحاظ اقتصادی فساد در کلیسا فراگیر شده بود. منشاء این آشفتگی اقتصادی "عطیه کنستانتین" بود. کلیسا در قرن چهارم با سندی که بعدها جعلی بودنش آشکار شد، مدعی شد که بخش عمده ای از زمین های حاصل خیز اروپا توسط کنستانتین به او بخشیده شده است.

بنابراین سران کلیسا برای اجاره دادن این زمین ها مجبور بودند با حاکمان محلی همکاری کنند. این حاکمان نیز به نوبه خود نهایت ظلم و ستم را بر مردم روا می داشتند و کلیسا نیز از ایشان حمایت می کرد.

در نتیجه با درآمد ز شدن مناصب کلیسایی، هر پستی دارای قیمتی شد و کسانی که این پست ها را می خریدند نیز برای جبران قیمتی که پرداخته بودند مردم را سرکیسه می کردند. یکی از راه های سرکیسه کردن نیز مغفرت فروشی بود.

راهب ساوونارولا با اهانتی اغراق آمیز در این مورد کلیسای رم را فاحشه ای خواند که الطاف خود را به پول می فروشد...⁴⁹

پاپ الکساندر ششم⁵⁰ یکی از نمونه های این جریان بود. او با تاسیس هشتاد منصب جدید، از هر فردی که به یکی از این سمت ها می رسید 760 دوکات دریافت میکرد.⁵¹

علاوه بر همه این ها در تمامی طول دو قرن نهم و دهم پاپ ها توسط خانواده های اشرافی انتخاب می شدند و اگر پاپی از چشم این خانواده ها می افتاد، کشته شده و بجایش پاپ جدید انتخاب می شد.⁵²

⁴⁹ - جمیز. آ. کوریک، قرون وسطای اولیه. ترجمه مهدی حقیقت خواه ص 43

⁵⁰ - Alexander VI

⁵¹ - جمیز. آ. کوریک، قرون وسطای اولیه. ترجمه مهدی حقیقت خواه ص 43

⁵² - همان

2- در نتیجه فساد اقتصادگی، اندک اندک فساد اخلاقی نیز دامنگیر کلیسا شد. تجمع مال فراوان در یکجا و راحت طلبی مردان کلیسا اخلاق مسیحی را از میان برداشت و پای انواع مفاسد، بویژه فساد جنسی به کلیسا باز شد.

اراسموس^{۵۳} از اندیشمندان اومانیست دوره رنسانس در این زمینه می گوید: بسیاری از صومعه های مردانه و زنانه تفاوت چندانی با فاحشه خانه های عمومی ندارند! یکی از تاریخ نگاران کاتولیک نیز در این مورد نوشته است: مدارک مستند نشان می دهد که در تمام شبه جزیره ایتالیا فساد و هرزگی گریبانگیر کشیشان شده... نمک زمین طعم خود را از دست داده...^{۵۴}

3- کلیسا به لحاظ سیاسی نیز آنچنان فضای بسته ای بر محدوده تحت قلمرو خود حاکم کرده بود که کسی را یارای مخالفت با آن نبود. کلیسا با تشکیل دادگاه های تفتیش عقاید، هرگونه اندیشه مخالف با خود را بدعت شمرده و بدعتگذاران را به طرز فجیعی زنده زنده در آتش می سوزاند.

برای نمونه سنت دومینیک^{۵۵} در سال 1239 طی یک روز دستور سوزاندن 180 نفر را صادر کرد که در میان ایشان اسقفی وجود داشت که جرمش به زعم دومینیک اعتقاد به آزادی بیش از حد برای بدعت گذاران بود.^{۵۶} پاپ گریگوریوس هفتم نیز تعداد پرشماری از این بازپرسان را برای تفتیش عقاید به اطراف گسیل داشت که معمولاً بسیار سختگیر بوده و از فضیلت ترحم بهره ای نداشتند. شدت عمل ایشان به حدی بود که مردم به شوخی با تحریف نامشان آنها را Dominicanes (سگان شکاری خدا) می نامیدند.^{۵۷}

از جهت اجتماعی نیز در نظر کلیسا پست و مقام کلیسایی شغل آسمانی شمرده می شد و در مقابل دیگر شغل ها دنیوی بودند. بدین ترتیب بین روحانیون و مردم فاصله زیادی ایجاد شد. مردم عادی حتی برای توبه و مراجعه به کتاب مقدس باید به کلیسا مراجعه می کردند. در واقع کلیسا همه کاره بود و مردم عادی هیچ گونه شخصیت و حرمتی نداشتند.

8- عصر اصلاحات

⁵³ - Erasmus

⁵⁴ - دورانت، ویل، تاریخ تمدن ج 6 ص 23-24

⁵⁵ - Saint Dominic

⁵⁶ - دورانت، ویل، تاریخ تمدن ج 4 ص 1048

⁵⁷ - همان

با آغاز رنسانس علمی، متون دینی هم از لاتین به سایر زبان های بومی ترجمه شدند. مردم با مراجعه به کتب مقدس متوجه شدند که بسیاری از اموری که تا کنون در شمار آموزه های دینی می پنداشتند، در واقع از اختراعات کلیساست.

از این موارد می توان به آیین اعتراف و توبه اشاره کرد که در کتاب مقدس بدون اشاره به آیین بودن و به صورت یک عمل شخصی آمده است.

در بین معترضان به روند موجود چهره های برجسته ای برخاستند که گاهی از خود کلیسا بودند؛ به عنوان نمونه یکی از کشیشان آگوستینی به نام مارتین لوتر با مشاهده مغفرت فروشی توسط کارگزاران پاپ از این عمل به شدت ناخرسند شد و به ایشان اعتراض کرد. پس از مدت کوتاهی و با طرد شدن لوتر از کلیسا، او دامنه تحقیقاتش را افزود و همزمان دامنه اعتراضاتش را نیز بیشتر کرد.

اما لوتر در این نبرد تنها نبود، در قرن شانزدهم میلادی علاوه بر او شخصیت های دیگری نیز وارد میدان مبارزه شدند و توانستند در تاریخ مسیحیت تاثیرات شگرفی ایجاد کنند. این گروه اصلاحاتی در کلیسای کاتولیک ایجاد کردند و باعث جدایی مهمی در تاریخ مسیحیت شدند و جریاناتی را به وجود آوردند که در تاریخ مسیحیت تا عصر حاضر تاثیر گذار بوده است.

مارتین لوتر^{۵۸} (1483-1546م) اولریش تسوینگلی^{۵۹} (1484-1531م) و ژان کالون^{۶۰} (1509-1549م) نهضتی را پایه گذاری کردند که به مناسبت تلاشی که برای اصلاح تعالیم داشتند نهضت اصلاح دینی و نیز به مناسبت اعتراضی که به عملکرد کلیسای کاتولیک داشتند نهضت پروتستان^{۶۱} خوانده میشود.^{۶۲}

9- مسیحیت پس از اصلاح دینی

اما این اعتراض های دینی پایان کار نبود؛ کلیسای کاتولیک که ابتدا فقط صدای اصلاح طلبان درون کلیسا را شنیده بود، پس از مدتی با حملات سنگین تری از بیرون کلیسا مواجه شد.

58 - Martin Luther

59 - Huldrych Zwingli

60 - Jan Calvin

61 - protestan

62 - britannica-encyclopedia/protestantism

قرن هفدهم و هجدهم دوره روشنگری نام گرفت؛ زیرا اندیشمندان غربی با تکیه بر علوم تجربی سعی در بررسی عقلی آموزه های دینی داشتند. در واقع این باور بوجود آمد که انسان می تواند همه زوایای مبهم عالم را با روش علمی کشف کند، بنابراین این هر چیزی که مربوط به گذشته بود را از نو بررسی کردند و مدعی شدند که کتاب مقدس هم باید به آزمایشگاه های تجربی برود و مورد کنکاش دقیق قرار بگیرد. در نتیجه بین آموزه های کلیسایی و یافته های علمی تناقض های فراوانی پیدا شد.

فصل دوم کتاب مقدس (bible)

بر خلاف تصور برخی که کتاب مقدس مسیحیان را تنها انجیل می دانند؛ مسیحیان به مجموعه کتاب هایی بنام کتاب مقدس اعتقاد دارند.

کتاب مقدس از دو بخش عهد قدیم⁶³ و عهد جدید⁶⁴ تشکیل شده است. عهد قدیم همان متن مقدس عبری یهودیان است که از 39 کتاب تشکیل شده و سه بخش اساسی دارد.

این سه قسمت عبارتند از: 1- بخش تاریخی که مشتمل بر 17 کتاب است و با پنج سفر (کتاب) تورات شروع میشود. 2- بخش دوم موعظه و حکمت است و دربر دارنده پنج کتاب از جمله زبور داود و امثال سلیمان است. 3- و بخش آخر 17 کتاب پیشگویی است که از کتاب اشعیا شروع میشود و به کتاب ملاکی ختم میشود

عهد جدید نیز از 27 کتاب و رساله تشکیل شده و مختص مسیحیان است و توسط نه نویسنده به رشته تحریر درآمده است. کلیسا بر این باور است که این کتاب ها از حدود سال 45 میلادی تا حدود سال 100 میلادی و در طول بیش از نیم قرن نگارش یافته است.⁶⁵

انجیل متی، مرقس، لوقا و یوحنا چهار کتاب نخست عهد جدید هستند که اگر چه در سنت مسیحی به متی، مرقس، لوقا و یوحنا نسبت داده می شوند؛ اما به گفته آرچیبالد رابرتسون عنوان اصلی اناجیل نامعلوم است.⁶⁶

⁶³ - old testament

⁶⁴ - new testament

⁶⁵ - تنی، مريل سی؛ معرفی عهد جدید، مترجم طه میکانیلیان، تهران، انتشارات حیات ابدی، 1362، ص 136
⁶⁶-رابرتسون، آرچیبالد؛ عیسی اسطوره یا تاریخ، مترجم حسین توفیقی، قم، دانشگاه ادیان، 1387، چاپ دوم، ص 19-20

سه انجیل متی، مرقس و لوقا شباهت های زیادی با هم دارند و گاهی آیه به آیه آنها با هم شبیه است؛ هرچند بعضا در شرح جزئیات تفاوت هایی در روایت آنها به چشم می خورد. بخاطر وجود همین مشابهت ها این سه انجیل را "اناجیل همنوا" نامیده اند.

در مقابل اناجیل همنوا انجیل یوحنا قرار دارد که به لحاظ ساختاری با سه انجیل دیگر تفاوت دارد. مهم ترین تفاوت این انجیل با سه انجیل دیگر در این است که نوع نگاه این انجیل به عیسی لاهوتی و عیسی خدایی است؛ در حالی که در سه انجیل نخست عیسی انسان و فرستاده خداست. به همین علت به انجیل یوحنا انجیل الهیاتی یا لاهوتی نیز گفته می شود.

پس از انجیل ها کتاب اعمال رسولان قرار دارد. نگارنده این کتاب همان نگارنده انجیل لوقاست. لوقا این کتاب را برای دوست قدیمی اش، تئوفیلوس، نوشته است.

در هشت فصل نخست این کتاب سخن از فعالیت های حواریون به میان آمده و پس از آن ماجرای ایمان پولس و زندگانی او روایت شده است.

قسمت بعدی عهد جدید را نامه ها تشکیل می دهد که عبارتند از: سیزده نامه منسوب به پولس بنام های رومیان، اول قرنتیان، دوم قرنتیان، غلاطیان، افسسیان، فیلیپیان، کولسیان، اول تسالونیکیان، دوم تسالونیکیان، اول تیموتائوس، دوم تیموتائوس، تیتوس، فلیمون رساله عبرانیان که نویسنده اش نامشخص است.

یک نامه منسوب به یعقوب، دو نامه منسوب به پطرس، سه نامه منسوب به یوحنا، یک نامه منسوب به یهودا و کتاب مکاشفه یوحنا که دارای یک متن رمز آلود درباره حوادث آخرالزمان است.

محققان جدید کتاب مقدس برآند که غیر از هفت یا هشت رساله پولس، و کتاب مکاشفه و نوشته های لوقا در باره نویسندگان دیگر قسمت های عهد جدید تردید جدی وجود دارد و از خود هر یک از قسمت ها نیز دلیل قابل توجهی برای تعیین نویسنده آنها بدست نمی آید.

معنای وحی و کتاب مقدس

باید توجه داشت که باور مسیحیان درباره حضرت عیسی با اعتقاد مسلمانان در این مورد تفاوت هایی دارد. مسیحیان معتقدند که حضرت عیسی هرگز کتابی نیاورده است و اصلاً لازم نبوده کتابی بیاورد؛ چون پیامبران واسطه بین خدا و بشرند و در راستای رسالتشان کتاب و وحی می آورند؛ اما حضرت عیسی خود خدا و عین وحی است.^{۶۷} در نتیجه رفتار و گفتار او برای انسان ها کافی است و انجیل ها نیز پس از وفات او نوشته شده اند.

جمع آوری عهد جدید

به استاد سنت مسیحی در سالهای نخست پس از عروج حضرت عیسی انجیلی وجود نداشت. به تدریج مسیحیان به نوشته مکتوبی که پیروان عیسی بر مدار آن باورهای خود را تنسیق کنند، احساس نیاز کردند.

بنابر این رسولان و پیروان عیسی شروع به نوشتن زندگی نامه او کردند. این جریان پس از مدتی چنان روند سریعی به خود گرفت که هر روز به تعداد انجیل افزوده می شد. از میان کتاب هایی که در این دوره تدوین شدند می توان به: انجیل برنابا، انجیل پطرس، انجیل عبرانیان، اعمال پطرس، انجیل سن توماس، اعمال یوحنا، انجیل مصریان، آندره، آپل، مانوی ها، مارکیون، تکامل، کودکی و... اشاره کرد.^{۶۸}

این جریان تا قرن سه و چهار ادامه داشت و کلیسا هنوز به تعریف درستی از کتاب مقدس نرسیده بود. در نتیجه برخی از کلیساها رساله عبرانیان، رساله یعقوب، رساله یهودا، رساله های دوم و سوم یوحنا، رساله دوم پطرس و مکاشفه یوحنا را در شمار کتاب های مقدس عهد جدید نمی دانستند.^{۶۹}

برای رهایی از این آشفتگی در سال 397 میلادی شورای کارتاژ^{۷۰} تشکیل شد^{۷۱} و 27 کتاب کنونی عهد جدید را به رسمیت شناخت و دیگر رساله ها و انجیل را غیر قانونی اعلام کرد.

البته این شورا چاره نهایی برای رهایی از این مشکل نبود، زیرا پس از آن نیز نزاع بر سر برخی کتاب ها مثل مکاشفه یوحنا ادامه یافت تا اینکه در سال 1546 در شورای ترنت شکل نهایی کتاب های عهد جدید به تصویب کلیسا رسید.^{۷۲}

⁶⁷ - ایان باربور، علم و دین، ترجمه بهاء الدین خرمشاهی، ص 145.

⁶⁸ - ولف، کری. درباره مفهوم انجیلها، مترجم: محمد قاضی ناشر: امیر کبیر ص 73

⁶⁹ - وان وورست، رابرت ای؛ مسیحیت از لابلای متون، جوادباغبانی وعباس رسول زاده، قم، موسسه امام خمینی، 1384، ص 121

⁷⁰ - Carthago

⁷¹ - دائرة المعارف کتاب مقدس، مترجم بهرام محمدیان و...، تهران، انتشارات سرخدار، 1381، ص 5

⁷² - توماس میشل، کلام مسیحی ص 43-44

در واقع اینجا یکی از مشکلات اساسی کلیسا رخ می نماید: که اگر کلیسا حجیت خود را مستند به کتاب مقدس می داند، چگونه همین کلیسا به کتاب مقدس حجیت می دهد و تعیین می کند که کدام کتاب مقدس و کدام یک نامقدس و خارج از عهد جدید است؟

رویکرد انتقادی به عهد جدید

با ترجمه کتاب مقدس و خروج آن از انحصار کلیسا راه برای بررسی نقادانه کتاب مقدس باز شد. دانشمندان پس از مطالعه و بررسی عهد جدید تناقض های بسیاری در این کتاب یافتند. در نتیجه اعتراض های فراوانی از طرف منتقدین روانه کلیسا شد. این اعتراض ها از چند جهت بود:

1- عیسی و کردار و گفتارش:

1-1 در انجیل متی عیسی مسیح داستان مصلوب شدن خودش را پیش گویی می کند که همانطور که یونس سه روز و سه شب در شکم ماهی بود پسر انسان (خود عیسی مسیح) هم سه شبانه روز در زمین خواهد بود.^{۷۳} ولی وقتی اناجیل داستان به صلیب کشیده شدن مسیح را نقل می کنند چنین گزارش می دهند که مسیح جمعه به صلیب کشیده شد^{۷۴} و در غروب آن روز وی را دفن کردند و صبح زود یکشنبه وقتی بر سر قبر وی آمدند قبر را خالی یافتند^{۷۵} و در نتیجه مسیح بیش از دو شب و یک روز در داخل شکم زمین نبود؛ در حالی که پیش گویی کرده بود که سه شب و سه روز در داخل زمین باشد. تناقضاتی از این دست تردید های جدی برای اندیشمندان ایجاد نمود.

1-2 در کتاب مقدس در باره شراب آمده است: ... و هر که به آن فریفته شود حکیم نیست^{۷۶} با این حال در اناجیل روایت شده که مسیح را میگسار می خواندند^{۷۷} و یا اولین معجزه عیسی مسیح تبدیل آب به شراب در عروسی قانا بود^{۷۸}

⁷³ - انجیل متی، 40:12

⁷⁴ - مرقس 15: 42

⁷⁵ - متی 28: 6

⁷⁶ - امثال سلیمان 20 : 1

⁷⁷ - پسر انسان می خورد و می نوشد ، می گویند اینک مردی پرخور و میگسار و دوست باجگیران و گناهکاران است . انجیل

متی 11 : 19

⁷⁸ - یوحنا 2 : 11-1

3-1 و یا در حالی که در کتاب مقدس تاکید زیادی بر احترام به پدر و مادر شده و آمده « ملعون باد کسی که با پدر و مادر خود به خفت رفتار نماید »⁷⁹ وقتی مریم مادر عیسی مسیح از وی تقاضایی می کند وی در پاسخ می گوید "ای زن مرا با تو چه کار است!"⁸⁰

4-1 همچنین درباره واپسین لحظاتی که مسیح روی صلیب بود، اینگونه روایت شده:

"نزدیک به ساعت سه، عیسی فریاد زده و گفت: "ایلی ایلی لما سبقتنی" ، یعنی خدای من، خدای من، چرا مرا تنها گذاشته ای؟"⁸¹ پر واضح است که اعتراض خشم آلود مسیح به خدا با شان و مقامی که کلیسا در باره مسیح معتقد است سازگاری ندارد.

2- شخصیت زن:

علاوه بر این در اناجیل برخی از تعابیری که در باره زن استفاده شده مورد اعتراض شدید نو اندیشان قرار گرفته است. برخی از این عبارات ها از این قرارند:

1-2 زن با سکوت به کمال اطاعت تعلیم گیرد. 12 و زن را اجازت نمی دهم که تعلیم دهد... بلکه در سکوت بماند. 13 زیرا که آدم اول ساخته شد و بعد حوا. و آدم فریب نخورد بلکه زن فریب خورده و در تقصیر گرفتار شد. 15 اما به زاییدن رستگار خواهد شد⁸²

2-2 اما میخواهم شما بدانید که سر هر مرد مسیح است و سر زن مرد و سر مسیح خدا. ... زیرا که مرد را نباید سر خود را بپوشد چونکه او صورت و جلال خداست اما زن جلال مرد است. 8 زیرا که مرد از زن نیست بلکه زن از مرد است. و نیز مرد بجهت زن آفریده نشده بلکه زن برای مرد " 10 از این جهت زن می باید عزتی بر سر داشته باشد به سبب فرشتگان.⁸³

در نتیجه این نظام طبقاتی که کتاب مقدس در باره زن به تصویر کشید، اعتراض شدید منتقدان کتاب مقدس برانگیخته شد. شاید به همین دلیل بولتمان که بزرگترین متخصص عهد جدید در قرن بیستم لقب یافته، معتقد

⁷⁹ - تثبیه 27 : 16

⁸⁰ - یوحنا 2 : 3

⁸¹ - متی 27 : 46

⁸² - اول تیموتاؤس فصل 2 : 11-15

⁸³ - اول قرنتیان 11 : 9-10

بود: بسیاری از سخنان مکتوب عیسی گفته‌های خود او نیست بلکه محصول حیات جوامع مسیحی اولیه به شمار می‌رود^{۸۴}

3- سند کتاب های عهد جدید:

یکی از ایرادهایی که محققان به کتاب مقدس وارد کردند این بود که چه سندی وجود دارد که ارتباط بین کتاب های موجود عهد جدید را با نویسندگان ادعایش اثبات کند؟ و غیر از ادعای کلیسا از کجا باید به این باور برسیم که مثلاً انجیل یوحنا واقعا نوشته یوحنا یوحنا یوحنا است؟

کشیش فهیم عزیز درباره حجیت و سندیت انجیل یوحنا میگوید: «این سؤال مشکل است و جواب آن، بررسی و تحقیق گسترده‌ای را می‌طلبد و غالباً به این عبارت ختم می‌شود که غیر از خدای یگانه هیچ کس نمی‌داند چه کسی انجیل یوحنا را نوشته است.»^{۸۵}

آرچیبالد رابرتسون^{۸۶} نیز در مورد نامه های پطرس، یعقوب، یوحنا و یهودا می نویسد: شاید هیچ یک از رساله های یعقوب، پطرس، یوحنا و یهودا هم معتبر نباشند^{۸۷}

در مورد نامه دوم پطرس نیز فلوید فیلسون می نویسد: رساله دوم پطرس از نظر محتوا و شیوه نگارش تفاوت بسیار زیادی با رساله اول پطرس دارد و محققین زمان نگارش آن را حدود 150م می‌دانند. نویسنده این متن بدون شک شخصی غیر از پطرس بوده است و برای مقبول افتادن رساله‌اش آن را به پطرس نسبت داده است.^{۸۸}

آرچیبالد رابرتسون در مورد این رساله می‌نویسد: رساله دوم پطرس آخرین و قطعاً جعلی ترین کتاب عهد جدید است.^{۸۹}

بنابر این چنانچه گفته شد فقط در انتساب کتاب مکاشفه یوحنا به یوحنا یوحنا یوحنا و انتساب هفت نامه پولس به وی، هیچ اختلافی وجود ندارد و در بقیه کتابها به رغم اعتقاد کلیسا برای صحت انتسابشان به مؤلفین سنتی آن، نقادان کتاب مقدس نظرات و دلایلی دارند که این انتساب را تایید نمی‌کند. البته باید به این نکته توجه داشت که به طور طبیعی این کتاب ها می توانند بخشی از تعالیم راستین عیسی مسیح را در بر داشته باشند.

⁸⁴ - تاریخ تفکر مسیحی، ص 457

⁸⁵ - کشیش عزیز، فهیم . المدخل الی عهد جدید، ص 546

⁸⁶ - archibald robertson

⁸⁷ - رابرتسون ، ارچیبالد. عیسی اسطوره یا تاریخ، مترجم: حسین توفیقی. ناشر: دانشگاه ادیان و مذاهب ص 29

⁸⁸ - فلوید فیلسون، کلید عهد جدید، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، انتشارات نورجهان ص 239

⁸⁹ - رابرتسون ، ارچیبالد عیسی اسطوره یا تاریخ، ص 29

در نهایت با تلاش منتقدین کتاب مقدس و پیدایش نقد های زبان شناختی و نسخه شناختی و... دانشی به عنوان نقادی کتاب مقدس ایجاد گردید.

بشارت به پیامبر اسلام

بر اساس متون مقدس موجود در عهد جدید، مردم در عصر حضرت یحیی و حضرت عیسی علیهما السلام به انتظار دو شخصیت جهانی نشسته بودند: یکی مسیح و دیگری پیامبری نظیر موسی علیه السلام.

برای کسانی که با عهد جدید آشنایی داشته باشند این مطلب واضح است، چنانکه در ادامه به بیان برخی از این متون می پردازیم.

اشارات به نبی موعود در انجیل

الف) در ابتدای نبوت حضرت عیسی در روز عید بزرگی که حضرت عیسی علیه السلام مردم را موعظه می کردند، پس از اتمام موعظه، در بین مردم اختلاف افتاد که او چه کسی است. بعضی او را همان پیامبری دانستند که حضرت موسی علیه السلام و دیگران به آمدنش بشارت داده بودند و بعضی دیگر او را مسیح موعود علیه السلام دانستند:

«آنگاه بسیاری از آن گروه چون این کلام را شنیدند، گفتند: در حقیقت، این شخص "همان نبی" است و بعضی گفتند: او مسیح است و بعضی گفتند: مگر مسیح از جلیل می آید؟... پس درباره او در میان مردم اختلاف افتاد.»

۹۰

از این عبارت به خوبی هویدا است که مومنان آن زمان با توجه به بشارت های موجود در عهد عتیق در انتظار آمدن دو شخصیت بودند، به همین دلیل در بینشان اختلاف افتاد؛ زیرا بعضی گفتند این است و بعضی گفتند آن!

ب) هنگامی که حضرت یحیی علیه السلام مشغول ارشاد و موعظه مردم بود، یهودیان درباره او به تحقیق و تفحص پرداختند. در انجیل یوحنا، در این زمینه چنین آمده است:

«این است شهادت یحیی در وقتی که یهودیان از اورشلیم، کاهنان و لاویان را فرستادند تا از او سؤال کنند که تو کیستی. معترف شد و انکار ننمود، بلکه اقرار کرد که من مسیح نیستم. آنگاه از او سؤال کردند: پس چه؟ آیا تو الیاس هستی؟ گفت: نیستم، آیا تو «آن نبی» هستی؟ جواب داد که نی. آنگاه بدو گفتند: پس کیستی تا به آن کسانی که ما را فرستاده‌اند جواب بریم؟ درباره خود چه می‌گویی...؟ فرستادگان از فریسیان بودند. پس از او سؤال کرده، گفتند: اگر تو مسیح و الیاس و «آن نبی» نیستی پس برای چه تعمید می‌دهی...؟ یحیی در جواب ایشان گفت:... او آن است که بعد از من می‌آید، اما پیش از من شده است. من لایق نیستم بند نعلینش را باز کنم.»⁹¹

در عهد عتیق انبیا بنی اسرائیل پیوسته از ظهور دو شخصیت «مسیح» و «پیامبری نظیر موسی» خبر داده بودند. بنابراین، طبیعی بود که مردم گمان کنند حضرت یحیی علیه السلام همان «مسیح موعود» و یا پیامبر موعود باشد. بدین سبب، حاکمان اورشلیم بر خود لازم و واجب می‌دانستند که از این موضوع تحقیق کنند. آنها افرادی ساده لوح و زودباور نبودند؛ اگر کسی ادعای نبوت می‌کرد به خوبی، تحقیق می‌کردند. تحقیق در مورد دعاوی کسانی که ادعای نبوت می‌کردند و یقین به صحت و سقم ادعاها از وظایف شورای بزرگ سنهدرین بود. این شورا از 71 نفر عضو مشاور تشکیل می‌شد.⁹² در نتیجه این شورا، که انجیل یوحنا آن را «یهود» می‌نامد، هیئتی اعزام کرد تا درباره ادعای یحیی علیه السلام تحقیق کنند. هیئت اعزامی سه سؤال از حضرت یحیی علیه السلام پرسیدند:

آیا تو «مسیح موعود» هستی؟

آیا تو الیاس نبی هستی؟

آیا تو «آن نبی» - پیامبر موعود - هستی؟

⁹¹ . یوحنا، 1: 19 - 27

⁹² - در اسرائیل سه دادگاه وجود داشت که مهمترین آن دادگاه سنهدرین کبیر بود. اعضای آن هم وظیفه قضاوت را به عهده داشتند و هم وظیفه هنیت منصفه را، این دادگاه مسنولیت‌های سنگینی داشت. پیغمبر دروغین و کاهن اعظم را تنها در این دادگاه می‌توانستند محاکم کنند. رک. به: گنجینه‌ای از تلمود ص 302.

حضرت یحییٰ علیه السلام در جواب سؤال اول، اقرار کرد که مسیح نیست. سؤال دوم درباره حضرت الیاس علیه السلام بود؛ یهودیان طبق کتاب دوم پادشاهان⁹³ معتقد بودند که حضرت الیاس علیه السلام پیامبری است که بر گردباد سوار شده و به آسمان عروج کرده و شخصا به زمین رجعت خواهد کرد. چون حضرت یحییٰ علیه السلام مسیح بودن خود را منکر شد، به نظر هیئت اعزامی چنین رسید که وی باید حضرت الیاس نبی علیه السلام باشد که رجعت کرده است. بنابراین، از حضرت یحییٰ علیه السلام سؤال کردند که آیا تو الیاس نبی هستی؟ حضرت یحییٰ علیه السلام پاسخ دادند که من الیاس نیستم. سپس فرستادگان با خود گفتند که اگر او مسیح و الیاس نیست، آیا همان نبی ای است که حضرت موسی و انبیای دیگر علیهم السلام به ظهور او بشارت داده‌اند؟ لذا، سؤال سوم را مطرح کردند. حضرت یحییٰ علیه السلام به این پرسش نیز پاسخ منفی دادند که من "آن نبی" نیستم.

اینجا سوالی از مسیحیان به ذهن می رسد که بی تردید مومنان راستین زمان زمان عیسی مسیح منتظر آمدن دو شخصیت بودند مسیح و "آن نبی" بی تردید همه میدانیم که مسیح آمد اما "آن نبی" ای که تا زمان ظهور عیسی مسیح هنوز نیامده بود و بنا بر بشارت انجیل یوحنا بناست که بیاید کیست؟

تذکر این نکته لازم است که مسیح و آن نبی یک نفر نیستند، زیرا در سوال یهودیان تفکیک شدند و وقتی یحیی مسیح بودن را انکار کرد از وی پرسیدند حال که مسیح نیستی پس آن نبی هستی.

به علاوه وقتی منع بشارت به آن نبی را در کتاب تثیبه 18:18 میخوانیم می بینیم که مشخصات آن نبی قابل تطبیق بر عیسی مسیح نیست.

تایید دیگر اینکه براساس اسناد مکشوفه در سواحل بحرالمیت مردم در انتظار پیامبر موعودی (آن نبی) بودند که غیر از «مسیح موعود» بود.⁹⁴

⁹³ - کتاب دوم پادشاهان، 11:2

⁹⁴ - ویل دورانت، همان، ج 3، ص 709 / همچنین ر. ک. به: جفری بارندر، المعتقدات الدینیة لدی الشعوب، ترجمه د. امام عبدالفتاح، کویت، 1413، ص 129

فصل سوم : آموزه های مسیحیت

برخی تعالیم در مسیحیت وجود دارد که در دیگر ادیان ابراهیمی دیده نمی شود. برای نمونه می توان به تثلیث، گناه نخستین، فدا و نسخ شریعت اشاره کرد. در ادامه به بررسی اجمالی این موارد می پردازیم.

1: تثلیث (trinity)

باور به تثلیث اساس آموزه های مسیحیت بوده و راز نخستین شمرده می شود؛ مسیحیان هر کاری را با آن آغاز می کنند و اولین مسأله ای که می آموزند همین است: به نام پدر، پسر و روح القدس. ایشان هنگام خوردن غذا و ورود به کلیسا و سایر عبادات این عبارت را تکرار می کنند. با این همه فهم آن برای مسیحیان نه تنها بسیار مشکل، بلکه غیر ممکن است!

1/1 سیر پیدایش تثلیث

بنا به گزارشات تاریخی مسیحیان اولیه هیچ گونه اعتقادی به تثلیث نداشتند و مسیح را پیامبر و برگزیده خدا می دانستند. برای مثال ایونی ها جماعت بزرگی بودند که تا قرن چهارم ادامه حیات دادند و عیسی را فقط پسر مریم می دانستند^{۹۵}؛ اما در قرن چهارم با زور سرنیزه سرکوب شدند.

بروایت بسیاری از تاریخ نگاران مسیحی پولس نخستین کسی بود که باور به خدا بودن عیسی را پایه گذاری کرد و آن را ترویج نمود تا بتواند با ایجاد یک خدای محسوس، بت پرستانی که عادت به پرستش خدای محسوس داشتند را به کیش جدید دعوت کند.^{۹۶}

شایان ذکر است که ترتولیانوس^{۹۷} (که از الهی دانان و مدافعه نویسان بزرگ مسیحیت به شمار می رود) در قرن سوم واژه تثلیث Trinitas را نخستین بار بکار برد.^{۹۸}

⁹⁵ - گراث، مگ در امدی بر الهیات مسیحی ترجمه عیسی دیباج انتشارات کتاب روشن ص 362

⁹⁶ - بی ناس، جان. تاریخ جامع ادیان، ص 617

⁹⁷ - Tertullianus

⁹⁸ - گراث، مگ در امدی بر الهیات مسیحی ص 320

رسمی شدن تثلیث

در 313 کنستانتین، امپراتور روم، مسیحیان را تحت حمایت خود درآورد و برای ایشان امنیت فراهم کرد. در سایه این امنیت نسبی الهیدانان مسیحی وارد مباحث الهیاتی شدند. در نتیجه این مباحث جدال‌هایی بوجود آمد. از جمله میان آریوس، اسقف لیبی، و الکساندر اسقف اسکندریه در مورد الوهیت مسیح نزاع شدیدی پیا شد. آریوس بر بشری بودن عیسی تاکید داشت و الکساندر به اتفاق شاگردش آتاناسیوس عیسی را خدا می دانستند. امپراتور کنستانتین که وجود نزاع‌هایی از این دست را موجب تزلزل حکومت خود می دانست، مصمم شد تا برای حل این مشکل شورایی در شهر نیقیه برپا کند. او خود با اینکه در آن زمان مسیحی نبود، ریاست شورا را بر عهده گرفت و در نهایت الوهیت مسیح را تصویب کرد. دائرةالمعارف بریتانیکا نیز در مورد نقش کنستانتین می نویسد:

«...کنستانتین ... اصل حساس اعتقادنامه و اینکه مسیح با خدای پدر همذات است را پیشنهاد کرد و همه اسقفان به جز دو نفر از ترس و بر خلاف میل آن را امضا کردند...»⁹⁹

گرچه اکثر اسقفان در شرق امپراتوری و بسیاری از اسقفان غرب با این اعتقاد نامه مخالف بودند¹⁰⁰، ولی در نهایت این فرمان امپراتور بود که رسمیت یافت و مخالفان این حکم محکوم به اعدام شدند.

مواد این اعتقادنامه تا به امروز در شمار آموزه‌های رسمی کلیسای مسیح به شمار می رود و مخالفت با آن گناهی نابخشودنی است. چنان که در تاریخ مسیحیت بسیاری در مخالفت با این حکم در بهترین حالت قطع عضو می شدند¹⁰¹ و اگر بخت با ایشان یار نبود، در آتش سوزانده می شدند.

این رفتار کلیسا منحصر به قرون وسطی نبود و تا قرون اخیر ادامه داشت. به عنوان نمونه در قرن شانزدهم مایکل سروتوس¹⁰² فیزیکدان و پزشک حاذقی که کاشف جریان خون¹⁰³ بود با مطالعه دقیق کتاب مقدس متوجه شد

⁹⁹، Encyclopeddia britannica، constantine

¹⁰⁰ - لین ، تونی؛ تاریخ تفکر مسیحی ، روبرت آسریان ، تهران ، نشر ویژوهش فرزانه روز ، چاپ سوم ، 1386 ، ص 53

¹⁰¹ -Should You Believe in the Trinity?. Watch Tower Bible and Tract Society of Pennsylvania

.Copyright © 2006 Jehovah's Witnesses Official Web Site

¹⁰² - Michael Servetus

¹⁰³ - کلیسا سعی بسیاری در حذف نام وی و استناد این کشف بزرگ به دیگر اندیشمندان دارد.

که تثلیث در کتاب مقدس وجود ندارد و از بدعت های کلیساست؛ بنابراین کتابی به نام "درباره خطاهای تثلیث"^{۱۰۴} منتشر کرد، اما اندکی برنیامد که او را دستگیر کرده^{۱۰۵} و در سال 1553 زنده زنده در آتش سوزاندند.^{۱۰۶}

1/2: معنای تثلیث

الهی دانان مسیحی معتقدند که اصطلاح تثلیث یکی از بزرگ ترین و مشکل ترین دشواری هایی است که دانشجوی مسیحی با آن مواجه می شود.^{۱۰۷} مسیحیان برآنند که تثلیث با حقایق برتر الهی مرتبط است و در نتیجه عقل انسان راهی برای فهم معنای آن ندارد. پس تثلیث به مثابه سرّی ناگشوده باقی می ماند.

سخن آنسلم^{۱۰۸} قدیس در این زمینه خود گواهی بر این مدعاست؛ زمانی که تلاش آنسلم برای فهم معنای تثلیث به نتیجه نرسید، او به این گزینه روی آورد که: ایمان می آورم تا بفهمم! (*intellectum fides quaerens*)

با این اوصاف درک مسیحیان از تثلیث از اعتقاد همزمان به سه گزینه زیر تشکیل می شود:^{۱۰۹}

1- سه شخص متمایز هستند که الوهیت دارند.^{۱۱۰} این سه شخص از یکدیگر متمایز هستند و بواسطه ویژگی های شخصیشان از یکدیگر تمییز داده می شوند.^{۱۱۱} این بدین معناست که:

پدر پسر نیست ، پدر روح القدس نیست ، پسر روح القدس نیست

2- هر شخص کاملاً خداست، به این معنا که هر یک فقط در قسمتی از الوهیت شریک نیستند ، بلکه هر کدام به تنهایی در الوهیت کامل هستند:^{۱۱۲}

¹⁰⁴ - *Dê trinitatis erroribus*

¹⁰⁵ - Schaff, Philip: *History of the Christian Church, Vol. VIII: Modern Christianity: The Swiss Reformation*, William B. Eerdmans Pub. Co., Grand Rapids, Michigan, USA, 1910, page 780.

¹⁰⁶ T. mcneil, jonh - *The History & Character of Calvinism*, p. 176.

¹⁰⁷ - مک گراث، آلیستر، در آمدی بر الهیات مسیحی ، ص 320

¹⁰⁸ - Anselm of Canterbury

¹¹⁰ - Grudem, Wayne A. 1994. *Systematic theology an introduction to biblical doctrine*. Leicester, England: Inter-Varsity Press. Page 226

¹¹¹ - الیوت ، استوارت . راز تثلیث . انتشارات نور جهان ص 81

¹¹² - استوارت الیوت ، راز تثلیث ، ص 81

خدای پدر خدای کامل است ، خدای پسر خدای کامل است ، روح القدس خدای کامل است.

3- فقط یک خدای واحد حقیقی وجود دارد. بنابر این، این تصور که مسیحیان به سه خدا معتقدند درست نیست، بلکه به باور ایشان، یک خدا با سه شخص وجود دارد.¹¹³

برای روشن تر شدن معنای تثلیث باید بدانیم تثلیث مانند یک مثلث نیست که هر کدام از شخصیت های آن یک ضلع باشد و هر سه با هم مثلثی واحد باشند؛ زیرا در تثلیث هر خدا به تنهایی یک خدا است اما در مثلث هر ضلع یک مثلث نیست.¹¹⁴

همچنین تثلیث مانند یک شخص نیست که همزمان هم پدر باشد هم پسر و هم همسر؛ زیرا در تثلیث سه شخص متمایز وجود دارد نه یک نفر با سه نقش.¹¹⁵

برای فرار از بحران خرد گریزی تثلیث، کلیسا تلاش فراوانی برای عقل پذیر نمودن تثلیث داشت. وقتی نظریه تثلیث را در ترازوی منطقی میگذاریم می بینیم که عقل این نظریه را نمی پذیرد و به صراحت آن را انکار می کند. مسیحیان به این مساله یک جواب مشترک می دهند که ما نباید توقع داشته باشیم که چگونگی این امور را درک کنیم و اصلا منطق انسانی هرگز نمی تواند این مسائل را حل کند.¹¹⁶

البته این مساله کمتر توضیح داده می شود که چگونه باید به آموزه ای ایمان بیاوریم که نه فراتر از عقل؛ بلکه مخالف آن است؟ چگونه می توان امر یگانه ای را در همان حال که یکی است، سه تا دانست؟ و یا در همان حال که سه تا است، یکی پنداشت؟

علاوه بر این در کتاب مقدس آیات صریحی وجود دارد که مسیح هستی و حیاتش را از پدر گرفته است. اگر بر مبنای کتاب مقدس معتقدیم که پسر همه وجود و هستی خود را از پدر دارد،¹¹⁷ چگونه باید بگوییم در عین حال الوهیتی درونی و ذاتی دارد؟

همچنین در کتاب مقدس آیات صریحی وجود دارد که الوهیت مسیح را انکار میکند:

¹¹³ - ژوزف بهنامی ، مدخلی بر آموزه تثلیث ص 12

¹¹⁴ - Barth, Karl, and Geoffrey William Bromiley. 1975. *The doctrine of the word of God prolegomena to church dogmatics, being volume I*, 1. Edinburgh: T. & T. Clark. Pages 348-49

¹¹⁵ - باید توجه داشت که برخی از مبشرین مسیحی از اینگونه مثال های نادرست بسیار استفاده می کنند.

¹¹⁶ - استوارت الیوت ، یگانگی در تثلیث ، ص 72

¹¹⁷ - پدر پسر را دوست دارد و همه چیز را در دستان او قرار داده است « یوحنا 3 : 35

1- «ما را تنها یک خداست، یعنی پدر»^{۱۱۸} اما در تثلیث میخوانیم ما را تنها یک خداست یعنی پدر، پسر، روح القدس!

2- مسیح خود اذعان میکند که "قادر" نیست و کسی دیگر به او قدرت داده و می فرماید: پسر از خود هیچ نمی تواند کرد.^{۱۱۹}

3- پطرس جانشین عیسی مسیح خطاب به یهودیان میگوید تمامی معجزات مسیح منشایی خدایی دارد و از نزد خودش نیست^{۱۲۰}

4- خود مسیح نیز معترف است که دانای مطلق نیست و نسبت به برخی امور بی اطلاع می باشد، مانند روز بازگشت خودش.^{۱۲۱}

در نتیجه بسیاری از مسیحیان جدید^{۱۲۲} می پرسند چگونه مسیح می تواند خدا باشد و در عین حال چنین مطالبی را نیز بگوید؟

1/3: ریشه های تثلیث در ادیان باستانی

پژوهش در تاریخ ادیان جهان باستان این نکته را روشن می کند که پرستش خدا از دوران پیش از میلاد همواره در گروه های سه تایی مرسوم بود. در بابل، هند، چین، مصر، یونان، فلسطین و روم پیش از آمدن مسیح تا قرن ها پس از مرگ او تاثیر این رسم مشهود بود.

دایره المعارف میتولوژی لاروس (به زبان فرانسه) به یک چنین مجموعه سه گانه ای در همان منطقه بین النهرین اشاره میکند: عالم به سه ناحیه تقسیم شده بود و هر ناحیه به قلمرو یک خدا مبدل گشت. سهم آنو آسمان بود.

118 - اول قرن تیان 6:8

119 - یوحنا 5: 18

120 - "ای مردان اسرائیلی این سخنانرا بشنوید. عیسی ناصری مردی که نزد شما از جانب خدا مبرهن گشت به قوات و عجایب و آیاتی که خدا در میان شما از او صادر گردانید چنانکه خود میدانید (اعمال رسولان 2: 22)

121 - ولی از آنروز و ساعت غیر از پدر هیچکس اطلاع ندارد، نه فرشتگان در آسمان و نه پسر هم. مرقس 13: 32

122 - مانند شاهدان یهوه

زمین به انلیل واگذار شد. انا حاکم آنها شد. آنها با یکدیگر مجموعه سه گانه خدایان اعظم را تشکیل دادند.

123

مونیر ویلیامز^{۱۲۴} شرق شناس نامی و استاد زبان سانسکریت در دانشگاه آکسفورد، در کتاب هندوئیسم بیان

میدارد که که شیوا، براهما و ویشنو، سه خدای بزرگ هندوئیسم اند.¹²⁵

بنابر این باور به سه خدا به تدریج در مسیحیت نیز نفوذ کرد، اما این امر در دوره رسولان محقق نشد؛ بلکه با

مرگ رسولان و گسترش فرهنگ حاکم بر امپراتوری در میان مسیحیان نوکیش، اندک اندک نگرش الهیاتی

جهان مسیحیت دگرگون شد.

در همین زمینه آدلف هارناک^{۱۲۶} در کتاب "خلاصه تاریخ اصول عقاید" می گوید: اعتقاد کلیسا عمیقاً در

هلنیسم [افکار بت پرستانه یونانی] ریشه دارد. در نتیجه برای اکثریت عظیم مسیحیان حالتی نامفهوم یافته است .

127

2: فدا و گناه اصلی

یکی از اساسی ترین آموزه های مسیحیت، باور به "فدا" و نجات بشریت بوسیله مرگ عیسی است. برای

شناخت بهتر فدا باید به مواردی اشاره شود:

2/1: انسان پیش از گناه

خداوند انسان را آفرید و انسان در طبیعت اولیه خود پاک و خداگونه خلق شده بود. اعتقاد نامه رسمی کاتولیک

در این زمینه آورده است: پدر و مادر نخستین ما یعنی آدم و حوا با اصلی پاک و در حالت تقدس و عدالت خلق

شدند.^{۱۲۸}

¹²³ - Should You Believe in the Trinity?. Watch Tower Bible and Tract Society of Pennsylvania
.Copyright © 2006 Jehovah's Witnesses Official Web Site

¹²⁴ - Monier-Williams

¹²⁵ - Monier-Williams, Monier. Hinduism. VII Page 87. Society for Promoting Christ, 1925

¹²⁶ - Adolf von Harnack

¹²⁷ - *Outlines of the History of Dogma* نقل از مقاله Should You Believe in the Trinity?. Watch Tower Bible and Tract Society of Pennsylvania .Copyright © 2006 Jehovah's Witnesses Official Web Site

با نافرمانی آدم و خوردن از میوه درخت ممنوعه، تقدس یافتگی نخستین او از بین رفت و در نتیجه طبیعت آدمی فاسد شد و مانند انسانی که به درون چاه سقوط کرده و استخوان هایش شکسته، دیگر قادر به نجات خود نبود.

در الهیات مسیحی به نافرمانی آدم و حوا که منجر به سقوط انسان شد گناه نخستین می گویند^{۱۲۹}
پولس در این باره می گوید:

وقتی آدم گناه کرد، گناه او تمام نسل بشر را آلوده ساخت و باعث شیوع مرگ در سراسر جهان شد. در نتیجه همه چیز دچار فرسودگی و تباهی گشت. چون همه انسانها گناه کردند.^{۱۳۰}

مقصود از این مرگ، مرگ روحی و فساد ذاتی است. و این فساد ذاتی از آدم به تمام نسلش به ارث رسید.

خطای آدم تنها به خود وی زیان وارد نکرد بلکه همه نسل او را متضرر کرد^{۱۳۱} همانند تنبیه‌های گروهی که به خاطر جرم یک نفر یک گروه را تنبیه می کنند. گناه یک نفر (آدم) به تمامی نسلش به ارث رسید و تمام بشریت فاسد شد حتی کودکانی که تازه به دنیا می آیند میراث بر گناه آدم هستند. پولس می گوید:

... به یک خطا حکم شد بر جمیع مردمان برای قصاص... (رومیان 5: 18)

البته منظور از این مرگ، مرگ روحی و فساد ذاتی است. این فساد ذاتی از آدم به تمام نسلش به ارث رسید، یعنی تمام انسان ها در زمان تولد فاسد هستند و این فساد در تمام جنبه های زندگی ایشان وارد شده است. بنابراین این انسان تازه تولد یافته چیز نیکویی در خود ندارد تا خدا را راضی کند و هیچ قدرتی ندارد که وضع خود را تغییر دهد.^{۱۳۲}

آگوستین^{۱۳۳} معتقد بود که در نتیجه گناه دو نوع مرگ وارد زندگی انسان شده: مرگ جسم و مرگ روح و آدم با ارتکاب گناه هم جسم و هم روحا دچار مرگ شد.^{۱۳۴}

¹²⁸ - Catechism of the Catholic Church, P85

¹²⁹ - Oxford Dictionary of the Christian Church (Oxford University Press 2005, article *Original Sin*

¹³⁰ - نامه پولس به رومیان 12:5

¹³¹ - Catechism of the Catholic Church, paragraphs 404-405

¹³² - گراث، مگ در امدی بر الهیات مسیحی ص 457

¹³³ - Saint Augustinus

¹³⁴ - Augustine, s. City of God, P.522.

اما در طرف مقابل و در چنین شرایطی خدا نیز نمی پذیرفت که این زندانی را آزاد کند، مگر به این شرط که ضرر نکند و بهای لازم را در قبال آزادی دریافت کند.^{۱۳۵} اکنون این گناه سبب بیگانگی انسان با خدا شده و طبیعت بشر را فاسد کرده و گناهان ما نیز نماد بیرونی این طبیعت فاسد است.^{۱۳۶}

2/3: فدیة الهی

حال که بشر گناه کرده و برای جبران این گناه کفاره و قربانی نیاز است، انسان به خود رجوع کرده و می بیند طبیعت گنهکارش شایسته قربانی شدن نیست؛ چون کفاره باید بی عیب و نقص و سالم باشد تا بتواند غضب خدا را فرو نشاند.

بنابر این کسی می بایست جایگزین انسان شده و جریمه و مجازات گناهان انسان را متحمل می شد. اما کسی غیر از یک انسان نمی توانست قربانی گردد؛ پس به یک انسان پاک نیاز بود. او می بایست از گناه مبرا باشد تا بتواند برای گناه کاران جان دهد.

چون بشر نمی توانست چنین رهاننده ای برای خود مهیا کند؛ خدا برای نجات او از این وضع اسف بار نقشه کشید که پسرش را که همذات وی بود به صورت یک انسان بفرستد و وی را در عوض گناهان بشر فدیة دهد. به تعبیر کارل بارت «عیسی داوری بود که بجای ما داوری شد».^{۱۳۷}

جیمز پکر، الهی دان بزرگ انجیلی، فدیة مسیح را اینگونه بیان می کند: مرگ مسیح نخست بر خدا تاثیر گذاشت، زیرا از این طریق غضب او تسکین یافت... جان کلام آنکه مسیح با مرگ خود چیزی تقدیم خدا کرد که غرب از آن به عنوان تاوان گناه یاد می کند، تاوانی که بنا به شخصیت خود خدا تنها وسیله ای بود که می توانست "نه" خدا را به "آری" تبدیل کند... عیسی با تحمل صلیب گناهان ما را زدود، غضب خالق ما را تسکین داد... و بدین گونه نجاتمان داد.^{۱۳۸}

آگوستین قدیس در مورد فدا می گوید: او برای ما قربانی داد؛ قربانی بی عیب و نقصی که می توانست تقدیم خدا شود. او خود را به عنوان قربانی تقدیم کرد، زیرا قربانی دیگری نیافت.^{۱۳۹}

135 - معجم اللاهوت الکتابی .مدخل فدا

136 - استات ، جان . مبانی مسیحیت . مترجم روبرت آسریان ص 68

137 - بارت، کارل .اصل قطعی کلیسا بخش اول قسمت 51 شماره 2 نقل از گراث، مگ. در امدی بر الهیات مسیحی

138 - گراث، مگ . در امدی بر الهیات مسیحی ص 450

139 - همان

نتیجه طبیعی سطور فوق این است که هر انسانی که متولد می شود میراث بر گناه آدم است؛ پس باید تعمید بگیرد تا مشمول طرح نجات خدا گردد و اگر نوزادی پیش از تعمید بمیرد در عذاب الهی خواهد بود.

آگوستین معتقد بود که نوزادانی که بدون تعمید از دنیا می روند به خاطر گناه اصلی به جهنم می روند. پدران یونانی کلیسا نیز از این نظریه تبعیت کردند.^{۱۴۰}

یکی از سوال های مطرحی که امروزه کلیسا با آن مواجه شده؛ این نکته است که چگونه باید پذیریم خداوند عادل است و در عین حال تمام نسل بشر را به خاطر گناه یک نفر مواخذه می کند؟

آموزه ای که به نظر اندیشمندانی چون جوزف باتلر در عهد جدید به صورت واضح مطرح نشده است.^{۱۴۱}

این در حالی است که کتاب مقدس با صراحت تاکید می کند که خدا بخشنده است.^{۱۴۲} بنابراین نیازی نبود تا خدا برای بخشش گناه آدم یگانه فرزند همذات خود را به صلیب بکشد.

پیتر آبلار^{۱۴۳} از متفکرین بزرگ مسیحی نیز در تفسیر رساله رومیان، آموزه سنتی کلیسا مبنی بر کفاره شدن مسیح برای گناهان بشر را زیر سوال برد. او در قسمتی از این کتاب می گوید:

«حقیقتاً ضرورت ریخته شدن خون فردی بی گناه به عنوان بهای یک چیز و اینکه قربانی شدن فرد بی گناهی باعث رضایت خاطر گردد، چقدر بی رحمانه و شریرانه به نظر می رسد. چقدر تصور این امر مشکل است که خدا با مرگ فرزند خود آنقدر موافق باشد که بواسطه آن با کل جهان مصالحه کند! این سوال و سوال های مشابه آن، مساله ای اساسی را در مورد رستگاری ما بواسطه مرگ مسیح در برابر ما قرار می دهد.»^{۱۴۴}

اما این تفکر آبلار از سوی کلیسا بی پاسخ نماند. زیرا "برنار" رساله ای بنام خطاهای پیتر آبلار نوشت و در آن به شدت آبلار را مذمت کرد. او در قسمت مهمی از این رساله چنین می گوید:

¹⁴⁰ - Study by International Theological Commission, 19 January 2007, 19-21

¹⁴¹ - گراث، مگ. در امدی بر الهیات مسیحی ص 432

¹⁴² - مزامیر، 26:109

¹⁴³ - Peter Abelard

¹⁴⁴ - لین، تونی. تاریخ تفکر مسیحی، ص 184

«...این فرزند هلاکت (آبلار) این حقیقت را خوار می شمرد و آن را استهزاء می کند. آبلار بر این باور است که مسیح تنها بدین دلیل زیست و مرد تا به انسان ها تعلیم دهد که چگونه مطابق کلام و الگوی او زندگی کنند...»^{۱۴۵}

تامس چاب [1747 م] معتقد بود مفهوم مرگ مسیح به عنوان قربانی به این خاطر وارد مسیحیت شد زیرا کلیسا دید یهودیان معبد، مذبح و قربانی و کاهن اعظم دارند. پس برای آنکه نشان دهند مسیحیت تفاوت چندانی با آئین یهود ندارد به این فکر افتادند که مفاهیمی شبیه آن را وارد مسیحیت کنند؛ در حالی که پاپ این نظریه را مردود می دانست و می گفت رحم و مروت خدا یکسره به سبب نیکوئی و رحمانیت ذاتی اوست نه معلول چیزی خارج از او؛ خواه این چیز درد و رنج عیسی و مرگ عیسی مسیح باشد خواه هر چیز دیگر^{۱۴۶}

3: شریعت

شریعت مجموعه مقررات و احکامی است که جهت تنظیم اعمال انسان و برای اصلاح نظام اجتماعی وضع می شود. پیامبران بزرگ الهی چون موسی، عیسی و رسول اسلام دارای شریعت بودند.

گر چه روح کلی تسلیم در برابر حق، اطاعت از خداوند، ایمان به غیب و معاد در همه ادیان الهی مشترک است؛ ولی با توجه به اختلاف استعداد امتهای قوانین متفاوتی مناسب با شرایط هر یک برای آنان وضع شده است.

کتاب مقدس نیز تاکید زیادی بر انجام شریعت دارد، چنان که در عهد قدیم آمده است: ملعون باد کسی که کلمات این شریعت را اثبات ننماید تا آنها را بجا نیاورد.^{۱۴۷}

3/1: مسیح و شریعت

با توجه به نوشته های موجود در اناجیل مسیح ع شریعت جدیدی نیاورد و همواره بر لزوم رعایت شریعت موسوی تاکید می نمود. البته در برخی موارد و مطابق با شرایط جدید تغییرات جزئی در آن ایجاد کرد.

بروایت انجیلها مسیح خود را کامل کننده شریعت موسی دانسته و همواره تاکید می کرد: گمان مبرید که آمده ام تا تورات یا صحف انبیا را باطل سازم. نیامده ام تا باطل نمایم بلکه تا تمام کنم. 18 زیرا هر آینه به شما میگویم تا آسمان و زمین زایل نشود همزه یا نقطه ای از تورات هرگز زایل نخواهد شد تا همه واقع شود. 19

¹⁴⁵ - لین، تونی. تاریخ تفکر مسیحی، ص 188

¹⁴⁶ - گراث، مگ. در آمدی بر الهیات مسیحی ص 435

¹⁴⁷ - تثنیه، 26:27

پس هر که یکی از این احکام کوچکترین را بشکند و به مردم چنین تعلیم دهد در ملکوت آسمان کمترین شمرده شود. اما هر که بعمل آورد و تعلیم نماید او در ملکوت آسمان بزرگ خوانده خواهد شد.^{۱۴۸}

مسیح خودش نیز در عمل به شریعت موسی وفادار بود^{۱۴۹}؛ به نماز اهتمام خاصی داشت^{۱۵۰}، روزه می گرفت^{۱۵۱}، مالیات هیکل را می پرداخت^{۱۵۲} و به زیارت هیکل می رفت. با این وجود پیروان مسیح شریعت را کنار زده و معتقدند زمانش سپری شده است و دیگر عمل به آن لازم نیست.^{۱۵۳}

3/2: مسیحیت و شریعت گریزی

جدایی شریعت از دین مسیح طی یک فرایند تاریخی و در پی فراهم آمدن بسترهای آن صورت گرفته است. روند این جدایی تقریباً با گرایش پولس به مسیحیت مصادف بود. زیرا او پس از مسیحی شدن و طرح آموزه فدا به این اندیشه معتقد شد که با به صلیب کشیده شدن مسیح گناه برداشته شده و با برداشته شدن گناه دیگر نیازی به انجام شریعت نیست و ایمان به مسیح برای نجات کافی است.^{۱۵۴}

3/3: سیر نسخ شریعت

در جریان سفرهای تبلیغی پولس و برنابا برخی از کسانی که سابق بر این دوگانه پرست بودند به مسیح ایمان آوردند. این جماعت تا کنون شریعت یهودی را انجام نداده بودند و طبیعتاً ختنه نیز نشده بودند.^{۱۵۵} بنابراین اگر ختنه کردن برای پذیرش مسیحیت الزامی بود، مانع بزرگی در راه مسیحی شدن ایشان بوجود می آمد.

از طرفی ختنه کردن در شریعت یهود (و پس از آن شریعت عیسی) یکی از مهم ترین رسوم مذهبی بود؛ در نتیجه نزاع بزرگی بین رسولان ایجاد شد که آیا ختنه کردن برای بت پرستانی که قرار است مسیحی شوند لازم است یا نه؟ که در نهایت با فشارهایی که توسط پولس وارد شد، عمل به برخی مظاهر سخت شریعت (مانند ختنه) برای غیر یهودیان حذف شد.

148 - متی 17:5

149 - لوقا 22:21-22

150 - متی 23:14

151 - متی 1:4-2

152 - متی 24:17-27

153 - قاموس کتاب مقدس . واژه شریعت

154 - رومیان 21:3

155 - اعمال 3:11

اما پیشروی پولس به اینجا خاتمه نیافت، زیرا پس از مدتی ادعا کرد که تمام شریعت و برای تمام اقوام منسوخ شده است.

او اینگونه می اندیشید که شریعت مخصوص زمانی بود که انسان در وضعیت قهر با خدا قرار داشت، اما پس از به صلیب کشیده شدن مسیح و آشتی انسان با خدا دیگر عمل به شریعت نیاز نیست و راه نجات ایمان به مسیح است نه شریعت! پولس در مرحله بعد پا را از این فراتر نهاده، گفت: هر کسی که فکر کند که می تواند با شریعت نجات یابد، دیگر مسیح نمی تواند او را نجات دهد!^{۱۵۶}

3/4: نزاع حواریون عیسی با پولس

مساله نسخ شریعت سبب شد که بین حواریون عیسی و پولس جدال های شدیدی رخ دهد. در این نزاع ها که در انجیل هم ثبت شده پولس، حواریون و در راس آنها پطرس را که موافق شریعت بودند منافق و دورو خوانده و ایشان را برادران کذب و افسونگر معرفی می کند. در این راستا یعقوب (یکی از حواریون عیسی مسیح) در نامه اش مینویسد " برادران من چه سود اگر کسی ادعا کند که ایمان دارد اما عمل نداشته باشد؟ آیا چنین اعمالی میتواند او را نجات بخشد؟... ایمان بدون عمل مرده است "

اما در نهایت این پولس بود که بخاطر شباهت اندیشه هایش با اندیشه های اقوام بت پرست در این نزاع پیروز شد.

جان ناس، تاریخ نگار مسیحی، در این باره می گوید: « پولس را غالباً دومین موسس مسیحیت لقب داده اند و مسلماً او در این راه جهاد بسیار کرد و فرقه طرفداران اصول و شرایع موسوی را مغلوب ساخت به طوری که آنها اهمیت موقع و مقام خود را بر اثر مساعی پولس از کف دادند »^{۱۵۷}

4: آیین های کلیسا (sacramentum)

گویی شریعت با روح دین عجین است و داشتن دینی بدون شریعت و آیین های بیرونی غیر ممکن می باشد. به همین جهت مسیحیان پس از رها کردن شریعت مسیح با تاویل بردن آیاتی از عهد جدید دستورالعمل های رفتاری جدیدی برای خود یافتند که به عنوان اسرار کلیسایی نامیده می شود. که به بررسی این موارد می پردازیم.

¹⁵⁶ - غلاطیان 2:5

¹⁵⁷ - بی ناس، جان. تاریخ جامع ادیان، ص 613

تقریباً همه مسیحیان اتفاق نظر دارند که دو آیین تعمید و عشاء ربانی در شمار آیین های کلیساست؛ اما مسیحیان کاتولیک و ارتدکس به پنج آیین دیگر نیز اعتقاد دارند. این در حالی است که برخی از کلیساهای پروتستان مانند کواکرها و سپاه نجات هیچ یک از آیین ها را نمی پذیرند.

1- تعمید (baptism): هر مسیحی فقط یکبار هنگام ورود به جامعه مسیحیت تعمید می پذیرد و کشیش تمام یا بخشی از بدن تعمید گیرنده را همراه با ذکر نام پدر، پسر و روح القدس در آب فرو میبرد^{۱۵۸}.

2- تایید (Confirmation): تایید یعنی پذیرفته شدن توسط روح القدس. در این مراسم که معمولاً هنگام بلوغ انجام می شود، کشیش داوطلب تایید را با روغن مقدس همراه با عبارت "روح القدس را بپذیر تا بتوانی به مسیح شهادت دهی" مسح می کند.^{۱۵۹}

3- عشاء ربانی (Eucharist): در این مراسم به یادبود شام آخر عیسی مسیح مقدار کمی نان فطیر توسط کشیش در دهان مسیحیان گذاشته می شود و ایشان باید بدون دندان زدن آن را بخورند.^{۱۶۰}

کاتولیک ها و ارتدکس ها بر این باورند که نان و شراب حقیقتاً به گوشت و خون مسیح تبدیل می شود.

4- اعتراف (Sacrament of Penance): اگر شخصی دچار خطا یا اشتباهی شود، باید نزد کشیش به گناه خود اعتراف کند تا گناهانش بخشیده شود. برای این کار شخص گناه کار پس از ورود به اتاقکی چوبین در برابر کشیش زانو می زند و گناهانش را برای کشیش شرح می دهد و سپس کشیش عباراتی از باب اندرز می گوید و برایش جریمه ای مقرر می کند.^{۱۶۱}

5- تدهین (Anointing of the Sick): در این مراسم بیمار مشرف به مرگ توسط یک کشیش با روغن مقدس تدهین (روغن مالی) می شود.^{۱۶۲}

6- دست گذاری (Sacraments at the service of communion): مسیحیان سه درجه روحانی دارند؛

«شماس»^{۱۶۳}: به معنای خادم است و به کشیش در مراسم کلیسا کمک می کند.

¹⁵⁸ - Liddell, Henry George ; Robert Scott , Henry Stuart Jones and Roderick McKenzie (1940). "

βαπτίζω". A Greek-English Lexicon . Medford, Massachusetts : Tufts University

¹⁵⁹ - Catechism of the Catholic Church , 1285-1321

¹⁶⁰ - Catechism of the Catholic Church , 1322-1419

¹⁶¹ - راستز، لنو. فرهنگ تحلیلی مذاهب آمریکایی مترجم محمد بقایی ص 233

¹⁶² - Catechism of the Catholic Church , 1499-1532

«کشیش^{۱۶۴}: وی رهبری یک کلیسا را به عهده دارد.

«اسقف^{۱۶۵}: وی در قلمرو معینی رهبری کلیساها را به عهده دارد. اسقف عادی معمولاً در سطح یک شهر و کاردینال در سطح یک منطقه بزرگ جغرافیایی و پاپ در سطح جهان رهبری کلیسا را به عهده دارند.

بنابه اعتقادات مسیحی هرگاه شخصی بخواهد به درجه روحانی بالاتر نائل شود، باید توسط مقام بالاتر دست گذاری شود^{۱۶۶}. البته زنها خارج از این قانون هستند و تنها می توانند شماس شوند.

7- ازدواج (Matrimony): هرگاه زن و مردی بخواهند با یکدیگر پیوند زناشویی برقرار کنند؛ کلیسا این پیوند را برقرار می سازد. در مسیحیت امکان طلاق وجود ندارد مگر به سبب فحشا. در غیر این صورت اگر زن و مرد از هم جدا شده و با شخص دیگری ازدواج کنند، زناکار به شمار می روند. شایان ذکر است که در کلیسای کاتولیک کشیشان و راهبه ها حق ازدواج ندارند.^{۱۶۷} اگر چه برخی از فرقه ها این مقررات را رعایت نمیکنند.

5: اعیاد مسیحیت

در مسیحیت یادبودها و عیدهای فراوانی وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می شود:

کرسمس (Christmas) (جشن مسیح): این جشن به مناسبت تولد آن حضرت در 25 دسامبر برگزار می شود. هفت روز پس از آن جشن اول سال میلادی در یک ژانویه برگزار می شود. البته روز و تاریخ دقیق تولد حضرت عیسی مشخص نیست.^{۱۶۸}

عید پاک: مهم ترین جشن دینی مسیحیان است که به مناسبت پیروزی عیسی بر مرگ و برخاستن وی از مردگان، در سومین روز تصلیب او برگزار می شود.

عید پاک پس از اعتدال ربیعی و نخستین بدر شدن ماه برگزار می شود که حدوداً مطابق با 22 مارس تا 25 آوریل است.^{۱۶۹}

¹⁶³ - deacon

¹⁶⁴ - priest

¹⁶⁵ - bishop

¹⁶⁶ - Catechism of the Catholic Church , 1536–1600

¹⁶⁷ - Catechism of the Catholic Church , 1601–1666 , and annulment (Catholic Church) .

¹⁶⁸ - How December 25 Became Christmas, Biblical Archaeology Review, Retrieved 2009-12-13

¹⁶⁹ - . Jones, Stephen (1996). *Secrets of Time*.

6: نماز

در مسیحیت نماز به شیوه خاصی که در اسلام وجود دارد مطرح نیست، بلکه ایشان در برابر خدا دعا‌های التجا آمیز بجا می آورند. مسیحیان کاتولیک پیش از ورود به کلیسا با آب مقدس خود را تطهیر می کنند، به این صورت که دست خود را در آب فرو برده و صلیب می کشند.¹⁷⁰

یکی از دعا‌های مرسوم برای برگزاری نماز دعای زیر است:

ای پدر ما که در آسمانی نام تو مقدس باد، ملکوت تو بیاید. اراده تو چنان که در آسمان است در زمین نیز به انجام رسد. نان کفاف امروز ما را بده، گناهان امروز ما را ببخش چنان که ما نیز کسانی را که به ما بدی می کنند ببخشیم. ما را در آزمایش نیاور، بلکه از شریر رهایی ده؛ زیرا ملکوت، قوت و جلال از آن توست. آمین.¹⁷¹

البته برخی از حرکتهای بدن مانند دست ها را رو به آسمان گرفتن و یا خم کردن زانو در نماز مرسوم است.

7: روزه

متی در انجیلش روایتی را ذکر می کند مبنی بر اینکه عیسی چهار شبانه روز روزه گرفت. او درباره روزه داران می فرمود: چون روزه می گیرید چون ریاکاران ترش رو نباشید.¹⁷²

با این حال روزه در مسیحیت در شمار احکام شرعی نیست و مسیحیان آزادند در هر زمان به طور فردی یا گروهی روزه بگیرند. چگونگی روزه گرفتن در میان مسیحیان نیز بنا به وابستگی ایشان به فرقه خاص متفاوت است و از نخوردن گوشت، لبنیات، تخم مرغ روغن و مشروب¹⁷³ و اکتفا به غذا‌های ساده تا پرهیز کامل از غذاها و اکتفا به مایعات وجود دارد.

زمان روزه گرفتن نیز به فرقه ای که از آن تبعیت می کنند بستگی دارد، ولی معمولاً روزهایی چون چهارشنبه خاکستر (روز دستگیری عیسی) و جمعه صلیب (روز به صلیب کشیده شدن عیسی) و چهار روز پیش از عید پاک و روزهایی از این دست را روزه می گیرند.

¹⁷⁰ - Philip Zaleski, Carol Zaleski (2005). *Prayer: A History*. Houghton Mifflin Books.

¹⁷¹ - متی، 9:6

¹⁷² - متی، 9:16

¹⁷³ Kallistos (Ware), Bishop; Mary, Mother (1978), *The Lenten Triodion*, South Canaan PA: St. Tikhon's Seminary Press (published 2002), pp. 35ff,

8:حجاب

در کتاب مقدس تاکید زیادی بر لزوم آراستگی به حیا و کنار نهادن آرایش ظاهری شده است:

و نیز خواهانم که زنان پوششی شایسته به تن کنند و خویشتن را به نجابت و متانت بیارایند نه به گیسوان بافته با طلا و مروارید و جامه های فاخر... زن باید در آرامی و تسلیم کامل تعلیم قرار گیرد. زن را اجازت نمی دهم که تعلیم دهد یا بر مرد مسلط شود، بلکه باید آرام باشد.^{۱۷۴}

همچنین درباره پوشش سر آمده است:

هر زنی که سر نپوشیده دعا یا نبوت کند سر خود را بی حرمت کرده... اگر زنی سر خود را نمی پوشاند پس اصلا موهای خود را بچیند و اگر برای زن شرم آور است که موهایش را بچیند یا تراشد پس باید سر خود را بپوشاند. مرد نباید سر خود را بپوشاند زیرا او صورت و جلال خداست، اما زن جلال مرد است.^{۱۷۵}

علاوه بر این فرامینی که در کتاب مقدس درباره لزوم حجاب آمده است، تصویرهایی که از پوشاک مسیحیان و مردم اروپا از سال های اولیه میلادی تا قرون وسطی و عصر اصلاحات انتشار یافته ، بروشنی نشان می دهد که حجاب بین زنان رعایت می شد.^{۱۷۶}

¹⁷⁴ - اول تیموتائوس ، 9:2

¹⁷⁵ - اول قرنتیان ، 5:11

¹⁷⁶ - براون و اشنايدر . پوشاک اقوام مختلف ص 116

منابع:

1. گریدی، جوان؛ مسیحیت و بدعتها، عبدالرحیم سلیمانی اردستانی، قم، موسسه طه، 1384، چاپ دوم
2. میلر، ویلیام؛ تاریخ کلیسای قدیم در امپراتوری روم و ایران، ترجمه علی نخستین،
3. دورانت، ویل؛ تاریخ تمدن ج3، حمید عنایت و ...، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، 1371،
4. کرنز، ارل؛ سرگذشت مسیحیت در طول تاریخ، ترجمه آرمان رشدی، آموزشگاه کتاب مقدس، 1994، ص 106-107،
5. وان وورست، رابرت ای؛ مسیحیت از لابلای متون، جواد باغبانی و عباس رسول زاده، قم، موسسه امام خمینی، 1384،
6. میشل توماس. کلام مسیحی ترجمه حسین توفیقی انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب
7. بی ناس، جان. تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، انتشارات علمی - فرهنگی
8. جمیز. آ. کوریک، قرون وسطای اولیه. ترجمه مهدی حقیقت خواه انتشارات ققنوس
9. گراث، مگ در امدی بر الهیات مسیحی ترجمه عیسی دیباج. انتشارات کتاب روشن
10. تنی، مریل سی؛ معرفی عهد جدید، مترجم طه میکائیلیان، تهران، انتشارات حیات ابدی، 1362،
11. رابرتسون، آرچیبالد؛ عیسی اسطوره یا تاریخ، مترجم حسین توفیقی، قم، دانشگاه ادیان، 1387، چاپ دوم،
12. ایان باربور، علم و دین، ترجمه بهاء الدین خرمشاهی. مرکز نشر دانشگاهی
13. ولف، کری. درباره مفهوم انجیلها، مترجم: محمد قاضی ناشر: امیر کبیر
14. دائرة المعارف کتاب مقدس، مترجم بهرام محمدیان و ...، تهران، انتشارات سرخدار، 1381،
15. کشیش عزیز، فهیم. المدخل الی عهد الجدید،
16. رابرتسون، آرچیبالد. عیسی اسطوره یا تاریخ، مترجم: حسین توفیقی. ناشر: دانشگاه ادیان و مذاهب
17. فلویید فیلسون، کلید عهد جدید، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، انتشارات نورجهان

18. کهن ،ابراهام. گنجینه‌ای از تلمود . ترجمه امیر فریدون گرگانی. انتشارات اساطیر.
19. جفری بارندر، المعققات الدینیۃ لدی الشعوب، ترجمه د. امام عبدالفتاح، کویت، 1413 ،
20. لین ، تونی؛ تاریخ تفکر مسیحی ، روبرت آسریان ، تهران ، نشر و پژوهش فرزانه روز ، چاپ سوم ، 1386 ،
21. الیوت ، استوارت .راز تثلیث. انتشارات نور جهان
22. استوارت الیوت ، یگانگی در تثلیث ، انتشارات نور جهان
23. ژوزف بهنامی ، مدخلی بر آموزه تثلیث . انتشارات نور جهان
24. براون و اشنايدر . پوشاک اقوام مختلف
25. استات ، جان . مبانی مسیحیت . مترجم روبرت آسریان
26. معجم اللاهوت الکتابی .مدخل فدا
27. قاموس کتاب مقدس . واژه شریعت
28. راستر، لئو. فرهنگ تحلیلی مذاهب آمریکایی مترجم محمد بقایی

29. Should You Believe in the Trinity?. Watch Tower Bible and Tract Society of Pennsylvania .Copyright © 2006 Jehovah's Witnesses Official Web Site

30. Schaff, Philip: History of the Christian Church, Vol. VIII: Modern Christianity: The Swiss Reformation, William B. Eerdmans Pub. Co., Grand Rapids, Michigan, USA, 1910 ,

31. T. mcneil, jonh - The History & Character of Calvinism ,

32. Catholic Encyclopedia

33. britannica-encyclopedia

- .34 Grudem, Wayne A. 1994. Systematic theology an introduction to biblical doctrine. Leicester, England: Inter-Varsity Press .
- .35 Barth, Karl, and Geoffrey William Bromiley. 1975. The doctrine of the word of God prolegomena to church dogmatics, being volume I, 1. Edinburgh: T. & T. Clark .
- .36 Monier-Williams, Monier. Hinduism. VII Page 87. Society for Promoting Christ, 1925
- .37 Outlines of the History of Dogma
- .38 Catechism of the Catholic Church
- .39 Oxford Dictionary of the Christian Church (Oxford University Press 2005
- .40 Agustine,s.City of God,
- .41 Study by International Theological Commission, 19 January 2007, 19-21
- .42 Liddell, Henry George ; Robert Scott , Henry Stuart Jones and Roderick. McKenzie (1940). " βαπτίζω ". A Greek-English Lexicon . Medford, Massachusetts : Tufts University .
- .43 How December 25 Became Christmas, Biblical Archaeology Review, Retrieved 2009–
- 44 Philip Zaleski, Carol Zaleski (2005). Prayer: A History. Houghton Mifflin Books .
- 45 Kallistos (Ware), Bishop; Mary, Mother (1978), The Lenten Triodion, South Canaan PA: St. Tikhon's Seminary Press (published 2002)